



بداء

رضا برنجکار

بداء از ریشه «بدو» به معنای ظهور است و به دو معنا به کار می‌رود: ظهور پس از خفاء و پیدایش رأی جدید.^۱ معنای اخیر، خود به دو صورت ممکن است رخ دهد: پیدایش رأی بدون سابقه رأی قبلی و پیدایش رأی بر خلاف رأی قبلی. مقصود از بداء در قرآن و احادیث، همین معنای سوم است.

از مهم‌ترین آیاتی که در مورد بداء در قرآن وجود دارد و در احادیث به آن استناد شده می‌توان به آیه زیر اشاره کرد: «خدا هر چه را بخواهد محو و هر چه را بخواهد، اثبات می‌کند و ام‌الکتاب نزد اوست».^۲

ظاهر آیه شریفه این است که اگر خدا بخواهد برخی امور موجود را محو و برخی امور غیر موجود را تثبیت می‌کند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «آیا محو، جز به چیز ثابت و موجود تعلق می‌گیرد؟ و آیا وجود بخشیدن مگر به چیزی که نبوده، تعلق می‌گیرد؟»^۳

این محو و اثبات در مورد همه ممکنات جهان صادق است، از جمله مقدمات فعل الهی همچون قضا و قدر. بنابراین براساس ظاهر آیه شریفه ممکن است قضا و قدر موجود تغییر کند؛ به این معنا که قضا و قدری پاک

بداء یکی از آموزه‌های مهم اسلامی است که اعتقاد به آن، نقش مؤثری در خداشناسی، پیامبرشناسی، امام‌شناسی و انسان‌شناسی دارد. آیات قرآن کریم و احادیث نقل شده در کتاب‌های شیعه و سنی به روشنی بر بداء دلالت دارند. با این همه، برخی از علمای سنی بداء را انکار نموده‌اند از آن جهت که معنای آن را به درستی درک نکرده و پنداشته‌اند بداء با علم ذاتی و ازلی خدا در تعارض است.

مفهوم بداء

بداء عبارت است از تغییر در قضا و قدر غیر حتمی. آموزه‌های مبتنی بر تقسیم قضا و قدر، به حتمی و غیرحتمی تقسیم می‌شود که باید دانست امکان تغییر در قسم غیرحتمی وجود دارد. امام باقر (ع) می‌فرماید: «برخی امور، حتمی‌اند که ناگزیر موجود خواهند شد. برخی امور دیگر، در نزد خدا موقوف‌اند که خدا با مشیت خود، برخی از این امور را مقدم می‌کند، برخی دیگر را از بین می‌برد و برخی دیگر را محکم می‌دارد و موجود می‌سازد».^۴

البته این مباحث در مورد تقدیرات غیرحتمی و بده‌پذیر است، در حالی که علم فرشتگان و معصومان (ع) به تقدیرات حتمی تغییرپذیر نیست.

در حدیثی که در کتاب‌های اهل سنت از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است، یکی از مصادیق آیه مورد بحث، طول عمر ذکر شده است: «از طول عمر، هر اندازه خدا بخواهد از بین می‌برد و هر اندازه خدا بخواهد می‌افزاید».^۸

در حدیث دیگر، یکی از مصادیق آیه مورد بحث، رزق و روزی ذکر شده است.^۹ یکی دیگر از آیات مهم مربوط به بده، آیه زیر است: «یهود گفتند: دست خدا بسته است. دست‌هایشان بسته باد و برای این سخن، از رحمت الهی دور شوند. بلکه هر دو دست خدا گشاده است، هر گونه که بخواهد می‌بخشد».^{۱۰}

همان طور که امام صادق (ع) تذکر داده‌اند، مقصود یهود این نبود که خدا دست دارد و دستش با ریسمانی بسته است، بلکه مقصود آنها این بود که خداوند از کار قضا و قدر فارغ شده و دیگر چیزی را کم و زیاد نمی‌کند و خدا در پاسخ به این اعتقاد یهود فرمود: «دست‌های خدا گشاده است».^{۱۱}

آیه شریفه و احادیث ذیل آن مطلبی عقلی را بیان می‌دارد و آن، اینکه قدرت خدا مطلق است و به تعبیر آیه دست‌های خدا باز است (بدها مبسوطان). مطلق بودن قدرت اقتضا می‌کند که خدا هر وقت بخواهد تقدیرات را عوض کند و وضعیت موجود را به هم بزند: فقیر را غنی و غنی را فقیر سازد، طول عمر کسی را زیادتر از تقدیر سابق کند و طول عمر شخص دیگر را کمتر از تقدیر قبلی کند و همین طور.

بنابراین، وقتی بدها به خدا نسبت داده می‌شود، مقصود پیدایش رأی یا قضا و قدر و مشیت و اراده جدید است که با رأی قبلی تفاوت دارد. این تفاوت یا به این شکل است که چیزی کاملاً محو می‌شود و چیز جدیدی مقدر می‌شود، مثل اینکه شغلی برای شخصی مقدر شده بود و با بدها شغل دیگری برای او مقدر می‌شود. یا به این شکل است که چیزی کم یا زیاد می‌شود، مثل اینکه در لوح قضا و قدر، عمر شخصی کم و زیاد می‌شود. یا به این شکل است که چیزی مقدم یا مؤخر می‌شود. امام باقر (ع) می‌فرمایند: «خدا چیزی را که قبلاً بوده یا الآن می‌باشد یا در آینده خواهد بود، وانگذاشته، مگر آنکه آن را در کتابی ثبت کرده است. این کتاب پیش روی خدا قرار دارد و خدا به آن توجه می‌کند. پس آنچه رامی‌خواهد، جلو اندازه‌د و آنچه را می‌خواهد، عقب اندازه‌د. آنچه را خواست، محو کند و آنچه را خواست، موجود سازد و آنچه را نخواست، موجود نشود».^{۱۲}

بنابراین، بدها وقتی به خدا نسبت داده می‌شود، به معنای ظاهر شدن چیزی است که قبلاً برای او مخفی بوده است و در آیات و احادیث، اثری از این معنا دیده

شود و قضا و قدر جدیدی نوشته شود. امام صادق (ع) در تفسیر آیه بالا بر این مطلب تصریح می‌کنند: «به درستی که آن کتاب، کتابی است که در آن، هر چه بخواهد محو و اثبات می‌کند. از همین کتاب است قضا و قدرهایی که دعا، آنها را رد می‌کند، دعایی که بر آن نوشته شده است: آنچه به واسطه آن، قضا را برمی‌گردانند. اما وقتی که قضا و قدرها به ام‌الکتاب منتقل شود، دیگر دعا در آن تأثیری ندارد».^۵

از این حدیث و احادیث مشابه می‌توان فهمید که تقدیرهای جهان در دو لوح ثبت شده است. یکی لوح بدها یا لوح محو و اثبات، دیگری لوح ام‌الکتاب. قضا و قدرهایی که خداوند بر اساس وضعیت موجود ما ثبت کرده، در لوح بدها قرار دارد که ممکن است با دعا یا کاری دیگر تغییر کند. اما قضا و قدر اگر به لوح ام‌الکتاب راه یابد و در آنجا نوشته شود، دیگر تغییر نخواهد یافت. علم فرشتگان، پیامبران و امامان به حوادث آینده از لوح محو و اثبات است. امام صادق (ع) فرمودند: «خدا دو علم دارد: یکی علمی است پوشیده و نهان، که جز او کسی آن را نمی‌داند و بدها از همین علم است و دیگری علمی که آن را به فرشتگان و پیامبران آموخته است که ما آن را می‌دانیم».^۶

ظاهراً مقصود از علم مکنون، همان ام‌الکتاب است که در آن بدها رخ نمی‌دهد، بلکه منشأ بدها است. به این معنا که علم لوح بدها و نیز تغییراتی که در این لوح رخ می‌دهد و در واقع همه چیز، در ام‌الکتاب وجود دارد. این علم از دسترس غیرخدا دور است و از این رو هیچ کس دارای علم مطلق نیست. ممکن است مقصود از علم مکنون، علم ذاتی خدا باشد که در آن همه چیز وجود دارد و آن نیز از دسترس غیرخدا دور است. البته احتمال اول قوی‌تر است؛ چون در بحث از بدها، علم فعلی مورد بحث است، یعنی لوح مخلوقی که وقایع در آن ثبت شده است. به عبارت ساده‌تر، علم ذاتی خدا که ازلی است مورد بحث نیست. همان‌طور که در بحث از رابطه علم و بدها خواهیم دید، اشتباه منکران بدها، خلط میان این دو نوع علم - یعنی علم ذاتی و علم فعلی - است.

به هر حال علم ذاتی خدا و نیز ام‌الکتاب در اختیار فرشتگان و معصومان (ع) نیست و آنان تنها به لوح محو و اثبات علم دارند و این لوح با بدها قابل تغییر است. بنابراین آنان علم مطلق و غیرمشروط ندارند و تحقق علم آنها نسبت به آینده، مشروط به عدم بدها است. از این رو از امام علی، امام حسن، امام حسین، امام سجاد، امام باقر و امام صادق - علیهم‌السلام - نقل شده که فرمودند: «قسم به خدا اگر نبود آیه‌ای در کتاب خدا، به یقین، شما را از هر آنچه تا روز قیامت رخ می‌دهد، خبر می‌دادم [این آیه عبارت است از]: «بمحو الله ما یشاء و یتثبت و عنده ام‌الکتاب؛ خدا هر چه را بخواهد محو و هر چه را بخواهد اثبات می‌کند».^۷

امام باقر (ع)

می‌فرمایند:

«برخی امور،

حتمی‌اند که

ناگزیر موجود

خواهند شد.

برخی امور

دیگر، در نزد خدا

موقوف‌اند که خدا

با مشیت خود،

برخی از این امور

را مقدم می‌کند،

برخی دیگر را

از بین می‌برد و

برخی دیگر را

محکم می‌دارد و

موجود می‌سازد».

بدها از ریشه «بدو»

به معنای ظهور

است و به دو معنا

به کار می‌رود:

ظهور پس از خفاء

و پیدایش رأی

جدید.

مطلق و ذاتی خدا ناسازگار است، زیرا ما انسان‌ها وقتی از نظری بر می‌گردیم و نظر جدیدی در یک موضوع پیدا می‌کنیم، منشأ این تغییر رأی، جهل ما نسبت به برخی امور است که با علم به آنها نظرممان عوض می‌شود.

در پاسخ به این اشکال باید گفت: اساساً بدهاء در علم ذاتی و مطلق خدا رخ نمی‌دهد تا این اشکال مطرح شود؛ بلکه بدهاء در لوح تقدیرات است که علم فعلی و مخلوق است. به دیگر سخن، خداوند بر اساس وضعیت موجود یک انسان، برای او تقدیری در لوح تقدیرات ثبت می‌کند. پس از مدتی این شخص کارهایی مثل صلۀ رحم و کمک به فقرا انجام می‌دهد. در نتیجه، خداوند تقدیر قبلی وی را عوض کرده، تقدیر جدیدی را برای او ثبت می‌کند. این تغییر در تقدیر، بدهاء نام دارد. البته خداوند با علم ذاتی و مطلق خود، از همه این تقدیرات گذشته و آینده آگاه است و حتی آنها را در لوح دیگری که مکنون است و ام‌الکتاب نامیده می‌شود، ثبت کرده است.

در واقع خطای کسانی که به بدهاء اشکال می‌کنند، این است که میان علم ذاتی و ازلی از یک سو و علم فعلی و حادث از سوی دیگر خلط می‌کنند. خطای دیگر آنها این است که خدا را به انسان قیاس می‌کنند، در حالی که به گفته امام رضا(ع): «هر که پروردگارش را با قیاس توصیف کند، همیشه در گمراهی خواهد بود»^{۱۳}.

در احادیث نیز بر این مطلب تأکید شده که بدهاء با علم ذاتی خدا تعارض ندارد و منشأ بدهاء، جهل نیست. برای مثال امام صادق(ع) می‌فرماید: «هر چه را خدا اراده کند، پیش از ساختنش در علم او هست. بدایی برای خدا رخ نمی‌دهد، مگر اینکه در علم خدا بوده است. برای خدا از روی جهل، بدهاء رخ نمی‌دهد»^{۱۴}.

سؤال قابل طرح در اینجا این است که اگر منشأ بدهاء، جهل نیست، پس منشأ آن چیست؟ به دیگر سخن، خدایی که به همه چیز آگاه است، باید از ابتدا فقط یک تقدیر مشخص و ثابت انجام دهد. اساساً حکمت بدهاء چیست و بدهاء چه اثری دارد که خداوند به جهت آن، آثار تقدیرات را عوض می‌کند؟ در بحث بعدی به این مسئله می‌پردازیم.

۴. آثار آموزه بدهاء

آموزه بدهاء، آثار مهمی در حوزه‌های مهم اعتقادی مثل خداشناسی، پیامبرشناسی، امامشناسی و انسان‌شناسی دارد.

الف) خداشناسی: مهم‌ترین اثر اعتقاد به بدهاء، اثبات قدرت و آزادی مطلق خداست. زیرا براساس امکان بدهاء، تا زمانی که فعل و حادثه‌ای خاص در عالم رخ ندهد، ممکن است خداوند تقدیر را عوض کند و آن حادثه خاص واقع نشود، حتی اگر مشیت و تقدیر و قضای الهی به آن حادثه تعلق گرفته باشد. بنابراین، هیچ چیز حتی قدر و قضای الهی نمی‌تواند قدرت و مالکیت خدا را محدود سازد و

نمی‌شود. گذشته از این، این معنا با علم مطلق الهی ناسازگار است. برخی دانشمندان پنداشته‌اند که بدهاء فقط به معنای ظهور بعد از خفا استعمال می‌شود و چون این معنا در مورد خدا محال است، باید بدهاء را به انسان یا ملائکه یا دیگر مخلوقات نسبت داده^{۱۵}. در حالی که بحث بر سر بدائی است که به خدا نسبت داده می‌شود نه بدهاء مخلوقات. علاوه بر این، تنها یکی از معانی بدهاء، ظهور بعد از خفا است و معنای دیگر بدهاء، پیدایش رأی جدید است. معنای اخیر هم در قرآن و احادیث مورد تأیید قرار گرفته است و هم از لحاظ عقلی اشکالی ندارد، بلکه عقل آن را اثبات می‌کند.

در قرآن کریم نمونه‌های متعددی از بدهاء به معنای تغییر در قضا و قدر نقل شده است. از جمله بدهاء در عذاب قوم یونس که با دعای مردم رفع شد^{۱۶}. همچنین بدهاء در مواعده موسی(ع) با خدا که از سی شب به چهار شب تغییر یافت^{۱۷}. همچنین بدهاء در ورود همراهان حضرت موسی(ع) به سرزمین مقدس که به جای آن سرگردانی در بیابان‌ها، نصیب آنان شد^{۱۸}.

در احادیث شیعه و سنی، موارد بدهاء و اسباب آن به تفصیل مطرح شده است که طرح آنها در حوصله این مقاله نیست^{۱۹}.

۲. دلایل عقلی بدهاء

بدهاء آموزه‌ای نقلی است که در قرآن و احادیث مطرح شده است. همچنین، از نظر عقلی و وجدانی نیز قابل فهم و اثبات است و در نتیجه، آموزه‌ای تعبدی نیست.

هر انسانی با مراجعه به وجدان و علم حضوری خود، در می‌یابد که وضعیت موجودش می‌توانست به گونه دیگری باشد. مثلاً اگر فقیر است، می‌توانست غنی باشد. اگر مریض است، می‌توانست تندرست باشد و همین‌طور. علامت این امر بدیهی و وجدانی، دعاهایی است که مؤمنان در آنها از خدا می‌خواهند تا وضعیتشان را تغییر دهد. اجابت این دعاها چیزی جز بدهاء نیست. از این رو هر کس به خدا اعتقاد دارد و از او تغییر وضعیتش را می‌خواهد، به بدهاء معتقد است، هر چند به ظاهر آن را انکار می‌کند. زیرا درک درستی از آن ندارد.

دلیل دیگر این است که عقل، همه کمالات را برای خدا اثبات می‌کند که از جمله کمالات، قدرت مطلق اوست. براساس قدرت مطلق، خدا حتی پس از تقدیری خاص می‌تواند این تقدیر را تغییر دهد و تقدیر جدیدی را در لوح تقدیرات ثبت کند و این تقدیر جدید را در خارج جاری سازد. پس انکار بدهاء، محدود کردن قدرت خدا و سلب کمالی از کمالات اوست که بر خلاف حکم صریح عقل می‌باشد.

۳. بدهاء و علم ازلی

مهم‌ترین اشکال منکران بدهاء این است که بدهاء با علم

علم ذاتی خدا و نیز ام‌الکتاب در اختیار فرشتگان و معصومان(ع) نیست و آنان تنها به لوح محو و اثبات علم دارند و این لوح با بدهاء قابل تغییر است. بنابراین آنان علم مطلق و غیرمشروط ندارند و تحقق علم آنها نسبت به آینده، مشروط به عدم بدهاء است.

دست او را ببندد.

را برمی گرداند، در حالی که محکم شده است؛ محکم شدنی»^{۱۹}.

امام صادق(ع) فرمودند: «دعا کن و نگو که خداوند از کارش [تقدیرها] فارغ شده است»^{۲۰}. امام موسی کاظم(ع) نیز فرمودند: «بر شما لازم است دعا کردن، زیرا دعا به پیشگاه خدا و خواستن از او، بلائی را که مقدر شده و به مرحله قضا رسیده و تنها امضای (وقوع) آن باقی مانده است، برمی گرداند»^{۲۱}.

همچنین در مورد نقش صدقه در مورد دفع مرگ سوء، از پیامبر اکرم(ص) نقل شده که فرمودند: «صدقه، مرگ بد را از انسان دفع می کند»^{۲۲}. امام باقر(ع) نیز فرمودند: «نیکوکاری و صدقه، فقر را از بین می برند، عمر را طولانی می گردانند و نود گونه مرگ بد را دفع می کنند»^{۲۳}.

پیامبر اکرم(ص) صلۀ رحم را باعث تأخیر اجل و افزایش رزق می داند: «هر کس به تأخیر افتادن اجل و زیادی در روزی را دوست دارد، صلۀ رحم کند»^{۲۴}.

از پیامبر اکرم(ص)، امیرمؤمنان(ع) و دیگر امامان نقل شده که فرمودند: «صلۀ رحم، عمر را زیاد می کند»^{۲۵}.

پی نوشت ها:

۱. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۱۷.
۲. القاموس المحیط، الصحاح، معجم مقاییس اللغة، مادة «بدو».
۳. سورة رعد (۱۳)، آیه ۳۹.
۴. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۴۷.
۵. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۲۰.
۶. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۴۷.
۷. قرب الاسناد، ج ۳، ص ۳۵۳؛ بحارالانوار، ج ۴، ص ۹۷.
۸. الفردوس، ج ۵، ص ۲۶۱.
۹. الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۵۷۴.
۱۰. سورة مائده (۵)، آیه ۶۴.
۱۱. رک: شیخ صدوق، توحید، ص ۱۶۷؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۰.
۱۲. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۱۵.
۱۳. برای نمونه بنگرید به: سبزواری، شرح الأسماء الحسنی، ج ۱، ص ۲۳۴.
۱۴. سورة اعراف (۷)، آیه ۱۴۲؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۴۴.
۱۵. سورة مائده (۵)، آیه ۲۱؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۰۴.
۱۶. برای نمونه در مورد کتاب های سنن بنگرید به: الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۵۷۴؛ الفردوس، ج ۲، ص ۱۱.
۱۷. بحارالانوار، ج ۳، ص ۲۹۷.
۱۸. تفسیر عیاشی ج ۲، ص ۲۱۸.
۱۹. التوحید، ص ۳۳۴.
۲۰. نعمانی، غیبت، باب ۱۸، ج ۱۰.
۲۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۷۰؛ رک: تاریخ بغداد ج ۱۳، ص ۳۶.
۲۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۶۶.
۲۳. همان، ص ۴۷۰.
۲۴. همان، ج ۴، ص ۵.
۲۵. بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۱۱۹.
۲۶. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۵۲.
۲۷. بحارالانوار، ج ۷۴، صص ۹۴ و ۸۸ و ۸۹.

ب) پیامبرشناسی و امام شناسی: اهمیت بداء در پیامبرشناسی، تا حدی است که امام رضا(ع) می فرماید: «خدا هیچ پیامبری را مبعوث نکرد، مگر همراه با تحریم خمر و اقرار به بداء برای خدا»^{۱۷}. اعتقاد به امکان بداء و تغییر در تقدیرات، بسط ید و قدرت مطلق خدا را برای پیامبر اثبات می کند. بداء به پیامبر می فهماند که هر چند با عنایت خدا به تقدیرات جهان آگاه گشته، اما این تقدیرات قابل تغییر است و تنها خداست که از علم مطلق برخوردار است. در نتیجه، پیامبر به علم خویش اتکا نمی کند و در همه امور، خود را وابسته به خدا می بیند. علمی که قابل تغییر نیست، علم مکنون و مخزون خداست که کسی جز خدا از آن آگاه نیست، در حالی که علم ملائکه، پیامبران و امامان معصوم(ع) نسبت به آینده قابل بداء است. از این رو، انسان به علم خود اتکا نمی کنند و به طور مطلق از آینده خبر نمی دهند، مگر مواردی که خداوند از عدم وقوع بداء در آنها خبر داده است، مثل ظهور منجی موعود و برپایی حکومت جهانی حضرت مهدی(ع)^{۱۸}.

ج) انسان شناسی: اگر بداء را نفی کنیم و خداوند را فارغ از کار قضا و قدر بدانیم، انگیزه های برای تغییر وضعیت موجود خود، از طریق کارهای خیر و عبادات و نماز باقی نخواهد ماند، زیرا هر چه مقدر شده همان خواهد شد و هیچ تغییری در قضا و قدر رخ نخواهد داد.

اصولا امید به آینده و روحیه تلاش، در گرو امید به تغییر وضعیت و امکان بهبود وضعیت موجود است. از سویی دیگر، اگر خداوند تقدیرها را تغییر نمی دهد، چرا با دعا و تضرع به درگاه احدیت و اتکا و التجا به خدا، از او بهتر شدن وضعمان را بخواهیم؟ بنابراین، اعتقاد به بداء، از یک سو روحیه امید و تلاش را به انسان می دهد و از سوی دیگر روحیه دعا و توبه و تضرع و توکل به حق تعالی را در انسان تقویت می کند. بدین سان نقش اعتقاد به بداء در حیات مادی و معنوی انسان آشکار می شود؛ زیرا مقولاتی همچون امید، تلاش، دعا، توجه و توکل، حیات معنوی انسان و نیز حیات مادی او را بر پایه حیات معنوی شکل می دهد.

۵. اسباب بداء

هر عملی - خواه مثبت و خواه منفی - می تواند باعث تغییر در قضا و قدر یا بداء گردد. در قرآن و احادیث نیز به برخی اعمال خوب و بد اشاره شده است که باعث بداء می شوند. به ویژه دعا، صدقه و صلۀ ارحام که بیش از دیگر اعمال مورد تأکید قرار گرفته است.

پیامبر اکرم(ص) دعا را باعث ردّ قضای تقدیر شده می داند، حتی اگر این قضا محکم شده باشد: «دعا قضا

تقدیرهای جهان

در دو لوح ثبت

شده است: یکی لوح

بداء یا لوح محو و

اثبات، دیگری لوح

امّ الکتاب. قضا و

قدرهایی که خداوند

بر اساس وضعیت

موجود ما ثبت

کرده، در لوح بداء

قرار دارد که ممکن

است با دعا یا کاری

دیگر تغییر کند.